

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۲۰

فهرست مطالب :

۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

۱ - تصویب صورت مجلس

۲ - بقیه شور دوم لایحه یکی شدن وزارت بازرگانی و پیشه و هنر

مجلس يك ساعت و سه ربع پیش از ظهر بر ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه آقای طوسی (منشی) خواندند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر)

صورت مجلس تصویب شد. آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده میخواستم تذکر بگویم که هیچوقت آئین نامه مجلس اجازه نمیدهد که جلسات مجلس را آقای رئیس عقب بیندازند. جلساتی که معین میشود مجلس با اتفاق آراء معین میکند و بایستی تغییر آئین با مجلس باشد امیدوارم این جلسه امروز چه صورتی دارد من میدانم که آقای فرزین مرد با شرافت انسانی بودند و البته ایشان را

تشییع کردند و يك ساعت و نیم بظاهر همه بیقرار بودیم باید بیائیم و جلسه کنیم این جلسه اصلاً تعقیده من صحیح و قانونی نیست اگر يك نفر هم دیر بیاید و یا غایب باشد جرم ندارد به موجب قانون بالفرض هم بخوانند جلسه فوق العاده بکنند باید در جلسه خصوصی کسب اجازه بکنند و امیدوارم مقام ریاست هم بدون اجازه اکثریت مجلس بی موقع جلسه را تعطیل نکنند

رئیس - آقا فرمایشانی میکنند و حال اینکه این

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

این مذاکرات مشروح پانزدهمین جلسه از دورره سیزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی مخالفین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

مخالفین با اجازه - آقایان : دکتر ضیاء - اصفهانی - دهستانی - جهانشاهی - کاملهاکو - خواجه نوری - دکتر تاج پخش .
مخالفین بی اجازه - آقایان : تولیت - ملایری - صدر - مؤید قوامی - طاطبی - دکتر ادهم - آصف - طاهانی - صادق وزیری - مهمل
نصرتیان - دکتر اهری .

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : مخبر فرهمند - دشتی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : مسعودی خراسانی - بیات - الهی - مؤید ثابتی - ملک مدنی - موثر - لبقوانی - یاصری -
بدین اسفندیاری - اکبر - حهرداش - شیرازی - نیکپور - خسروشاهی - مسعودی - مستشار - نقابت .

مسئله معکوس سابقه دارد و اتفاق افتاده وقتی که يك امرفوتی واقع میشود ممکن است جلسه به وقت دیگر موکول شود جلسه را در اینجا رئیس معین میکند در آنجا هم رئیس معین میکند و این هم به آقایان اطلاع داده شد و ملاحظه فرمایند.

۲ - شور دوم لایحه یکی شدن وزارت بازرگانی و پیشه و هنر

رئیس - شور دوم گزارش کمیسیون پیشه و هنر راجع به یکی شدن دو وزارت خانه پیشه و هنر و بازرگانی گزارش کمیسیون قرائت میشود.

کمیسیونهای بازرگانی و پیشه و هنر لایحه شماره (۴۹۴۲۳) دولت راجع به توأم شدن سازمان دو وزارت بازرگانی و پیشه و هنر را برای شور دوم مطرح نموده چون در موقع شور اول پیشنهادی از طرف آقایان نمایندگان محترم نرسیده بنابراین کمیسیون گزارش اولیه خود را تأیید نموده اینک عین ماده واحده پیشنهادی ضمن شور اول را در مطبوعه این گزارش برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم مینماید.

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون سازمان وزارت بازرگانی و پیشه و هنر توأم شده و بنام وزارت بازرگانی و پیشه و هنر نامیده خواهد شد. وزارت بازرگانی و پیشه و هنر مطابق حداقل احتیاجات و در حدود بودجه های مصوب سازمان اداری خود را داده پس از آزمایش تا آخر اسفند ماه ۱۳۲۰ برای تصویب مجلس شورای پیشنهاد خواهد نمود.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم چیزی که در درجه اول از اهمیت است مسئله بازرگانی کشور است که متأسفانه در این اواخر آن هیچ توجهی نشده است آقای وزیر پیشه و هنر هم خودشان مسبوقند که وزارت بازرگانی يك اداره ای بود در وزارت دارائی مثل اداره گمرک و سایر ادارات و هر تضمینی که میخواهند خودشان میتوانند بگیرند بعد تصمیم گرفته شد که اداره بازرگانی هم وزارت خانه باشد که بیشتر به بازرگانی کشور کمک بکند حالا آمده اند هیئت دولت و آقای نخست وزیر در این تشکیلات دو وزارت خانه اضافه کرده اند در صورتیکه هیچ ازومی نداشت و عنوان وزارت بازرگانی را

میخواهند حذف کنند علت اینکه میخواهند حذف کنند چیست در صورتیکه فقط يك نفر وزیر کم میشود و الا تمام اعضا و تشکیلات سر جایش هست و برای کشور فرفری نمیکند يك حقوق بيك وزیر دافان وقتیکه تمام اعضا و کارمندان هستند که چندان تأثیری ندارد و اما در تضمینش آیا برای کشور تسهیلاتی فراهم میکند یا نه آیا خرج را میکاهد یا نه این را صراحتاً این جا بیان کنند. قسمت دیگر عرضم راجع به کارخانه های دولتی است بنده بطوری که میشنوم با توجهی که شخص ایشان باین کار دارند و اعتمادی که بنده به طرز کار ایشان دارم ترتیبی بدهند که این کارخانه ها مفید بحال مردم باشد این ها معلوم نیست که از چه جنس قماش امروز تهیه میکنند باید از قماش تهیه کنند که امروز کشاورزان و مردم بیچاره میپوشند امروز لازم نیست این کارخانه ها پارچه های ذری بیست تومان و سی تومان تهیه کنند امروز باید پارچه های پنبه ذری پنج شش قران تهیه کنند که در دسترس مردم باشد نه این که پارچه هائی به میل و دلخواه خودشان تهیه کنند که بر ضرر کشور است و آن بطوری هم که آقای وزیر پیشه و هنر فرمودند که ما برای پالین آوردن سطح زندگانی يك چیز هائی را از خارج وارد می کنیم مثل قند و شکر و يك چیز هائی هم برای کبریت از خارج وارد می کنیم درست است ولی يك چیزهای دیگر که در این جا گران است مثل اسفنج و کدو که از خارج وارد نمیشود اینها حوائج عمومی مردم است چنانچه آقایان من يك تومان در این شهر فروخته میشود دولت میتواند اقدام کند جلوگیری کند این شهر داری به کوچکترین وظیفه خودش آشنا نیست اینها را باید محدود کرد اینها را خودسر کرده اند هر قدر میخواهند به مردم تحمیل میکنند و دولت هم کوچکترین توجهی را باین قسمت ها نداشته و نخواهد داشت.

دیگر اینکه بنده در روزنامه ها خواندم که کارخانه های اهواز و کجا اینها را صراحتاً گفته اند سه ماه تعطیل است و پنبه بانها نداده اند امیدام چرا اینطور شده پنبه که

فرستاده های بشماري هم ندارد برای چه باین کارخانه ها نمیدهند که رفع نیازمندی های کشور را بکنند. موضوع دیگر فروش پنبه است در داخله کشور آقایان شاهدند ما چندین جلسه گفتیم برای اینکه کرمائی های بیچاره کرباس بیافند در این زمستان رفع سرما از خودشان بکنند شعبه اقتصادی کرمائی یکم پنبه بر عیت بدبخت نمیدهند که اینها کرباس بیافند اینها هم بدرد دولت هم بدرد مردم میخورد. انعام کرمائی شتر تخم پنبه میخواهد يك من نمیدهند چند جلسه بودیم با آقایان نمایندگان رفتم مذاکره کردیم همشش بدفع الوقت که ما دستور داده ایم گذرانده اند و تا این تاریخ یکم تخم پنبه به کرمائی نداده اند که در این سرمای زمستان بتواند رفع حوائج خودش و مردم را بکند من نمیدانم که دولت چرا جلو گیری از این اعمال مأمورین نمیکند مأمورین هم در صدند بعنوان ازدیاد عوائد هر چه میتوانند از مردم میگیرند خوبست دولت توجه بیشتری باین قسمت بکنند و برای پالین آوردن سطح زندگانی فرمایشات ایشان هم برای بنده کافی نبود زیرا تنها يك کبریت بعضی موارد از خارج می آید ولی سایر اجناس در داخله کشور تهیه میشود این بیان کافی نیست و دولت از این حیث مسئول است و سهل انگاری میکنند و بنده صراحتاً عرض میکنم که خوب پایهای نمیچرخد و مردم با این وضعیت نمیتوانند زندگانی کنند.

رئیس - آقای مطالبائی

مطالبائی - عرض کنم که در اساس لایحه معلوم شد آقای روحی موافق تر بودند ایشان بقدری موافق هستند که انتظار داشتند در تشکیلات اداری وزارت پیشه و هنر هم تقلیل مخارجی پیش بیاید ملاحظه فرمودید که یکی از مواد برنامه دولت تقلیل هزینه بود و بنظر بنده این راه عملی خوبی است که مؤسسات و ادارات و وزارتخانه های که زیادی است اینها را ممکن است دولت اگر از من بپرسند منجمل بکنند و الا لافل ضمیمه یکدیگر بکنند که از این حیث تقلیل و تفاوتی در بودجه کشور بشود و اینکه فرمودند باید داشتن يك وزیر

تفاوتی بکلی حاصل نمیشود اینطور نیست وزیر که بود آقای معاون میخواهد دفتر میخواهد اتو مبیل میخواهد تشریفات و مصارفی میخواهد که وقتی جمع گردید در سال می بینید مبلغ معتدله ای میشود و البته اوضاع امروزه کشور و مصیقه ای که از نقطه نظر مالی برای کشور هست و در آتی به بیشتر بدش بینی میشود فکر خوبی است که ادارات زیادی حذف شود اگر در هر وزارتخانه و هر موسسه دولت روی این فکر برود (ولی برای بیکارها باید يك فکری البته بکنند) بسیار خوب است آخر وزارتخانه ها و اداره ها این فکر سابق است که باید دارالجزیه باشد و يك عدم را نان بدهد خوب آقایان اشخاص يك فکر دیگر بکنند بنده نمیدانم برای دولت مقدور هست یا نیست ولی باید استقاعات مردم و خزانه عمومی را در نظر گرفت از کجا این همه مخارج را باید تأمین کرد آقای روحی گفتند که دو وزارتخانه تأسیس شده البته باید يك فکری بکنند وقتی که يك اداره کشاورزی را کردند وزارت کشاورزی بهداری را کردند وزارتخانه البته تحمیلی میشود بر بودجه کشور و تفاوتی در بودجه حاصل میشود و چه بهتر که يك وزارتخانه ای را که کاری نداشت فقط اداره کردن يك عده کارخانه ها اختصاصی را درست داشت از بین برود کارخانه ذوب آهن اول جای دیگر بنا بود درست کنند بشد بردند کرج تا حالا سی مایون تومان خرج ساخته اش شده حالا هم بی ترتیب و بی نظام و يك پول زیادی هم خرج میشود معلوم نیست چه نتیجه خواهد داشت لافل خوبست اینها را بودجه اش را از بین ببرند و حذف کنند و برای نگاهداری آن فکری بکنند که از بین برود و متلاشی نشود و بنده هم موافقم بنده شنیدم بزرگی نقل و انتقال يك کارخانه آگوبا کارخانه قند باشد از بندر شاه بجای دیگر معادل قیمت خود آن کارخانه خرج کرده اند این ها تحمیلی است که به این مملکت شده و فکر نکرده و مطالعه نکرده روی هوی و هوس اینطور تحمیلات بگذاشتی را به بودجه این مملکت کرده اند حالا بشده خیال نمیکند که کسی باشد که با این کار مخالف باشد که این در وزارتخانه یکی شود زیرا يك قسمت آن بودجه اش حذف

میشود و این بفتح این مملکت است دیگر اینکه بنده معنای این اداره کل معادن را نفهمیدم چیست و چکار میکنند اداره کل معادن یعنی چه يك اداره مستقل جدا گانه است یا جزء پیشه و هنر است در هر صورت بنده با لایحه موافقم و خوبست آقایان موافقت فرمایند زیرا باز مقصدی صرفه جویی میشود و بفتح مملکت است زیرا يك وزیر و يك معاون و رئیس دفتر با اتومبیل و سایر مخارج تشریفاتی اگر حساب بفرمایند ملاحظه خواهید فرمود که در سال چقدر میشود.

وزیر پیشه و هنر - در کمیسیون آقایان تشریف داشتند

وقتی که صحبت الحاق وزارت پیشه و هنر و بازرگانی شد راجع به هزینه این وزارتخانه بود بنده صریحاً عرض کردم که یکی از مطالبی که راجع به این عمل منظور نظر است همین مسئله صرفه جویی برای کشور است وقتی که ما عواند کم داریم باید خرج هم کم شود از طرف دیگر با کمی ندارم عرض کنم که اگر يك عده اعضای بی مصرفی هم داریم البته خارج کنیم ما اگر بنظر انصاف نگاه کنیم نباید که از يك پیره زلی در اقصی نقاط مملکت پول بگیریم و خرج بکنیم اشخاص بیکاره بشود که مستخدم دولت هستند خیر این دو وزارتخانه که یکی شد اعضا و اجزایش هم بعد اقل یکی خواهد شد و بعد هم ملاحظه خواهید فرمود که یکی شدن این دو وزارتخانه صرفه جویی مهمی خواهد شد و اینکه فرمودند که وزارت پیشه و هنر گاهی ابتدا يك اداره بود در وزارت دارائی و بعد وزارتخانه مستقلی شد عرض کنم وزارت دارائی و بازرگانی و پیشه و هنر اینها تمام کارهای اقتصادی دارند اینها بهم وابستگی دارند و باید بهم نزدیک باشند پس نمیشود گفت که حالا که يك وزارتخانه علیه عده شده دیگر لازم نیست خیر اینطور نیست راجع بکارخانجات هم که اشاره کردند بنده قبلاً گفتم ما در نظر داریم که این کارخانجات که در این مملکت هستند کاری کنیم که محصولاتی که جنبه فائزتری ندارد ببافد بهمین جهت نسبت بکارخانجات شمال که واگذار دولت شده کارخانجات شاهی و چالوس دستور داده شده است که اجناسی تهیه کنند که مورد ضرورت کشور باشد و بدر مملکت بخورد

به بینند چه تشکیلاتی در این وزارتخانه داده خواهد شد و اگر يك وزیرتی تشکیلات نمیداد شاید بی عرضه بنظر میآمد که این نمیتواند تشکیلات بدهد و آقایان تصدیق میفرمایند صرف نظر از اینکه این گونه تشکیلات هیچ نتیجه نداده يك ضررهائی هم داشته است و شاهد عرض بنده همین تشکیلات و تغییرات سه سال قبل وزارت دارائی که برخلاف ترتیبات امروزه دنیا يك کارهائی کردند که هیچ فائده عاید مملکت نشد در میان ادارات ما اداره که دچار تغییر شده اگر ملاحظه بفرمائید اداره گمرک بوده است اداره گمرک از اول ورود مستشاران بایران تا وقتی که رفتند يك نحو و ترتیب آبرومندی و يك اساس مستقلی کار کردند و آقایان تصدیق دارند که بهترین ادارات ایران بود برای اینکه دچار تغییر و تشکیلات نبود (یکی از نمایندگان - حالا هم همانطور است) و حالا هم اگر بهترین ادارات ایران است برای این است که با همان رویه و اسلوب کار میکنند و بنده تصور میکنم که این رویه تغییر سازمان دادن خوب نباشد زیرا همیشه اگر آدم يك رویه ثابت و مستقلی را در پیش بگیرد حتماً بيك نتیجه خوبی خواهد رسید ولی تغییرات و تحولات و مخصوصاً تحولاتی که از روی يك مطالعه عمیقی نباشد تجربه ثابت کرده است که خوب نمر نمی دهد بنده با این تشکیلاتی که آقای وزیر محترم تجارت و صناعت در نظر دارند موافقت ندارم و عقیده مندم که برای اینکه از نقطه نظر اداری ادارات ما دارای يك وضع ثابتی بشود دولت يك شورای عالی تشکیل بدهند تمام ادارات ما اوقاص دارند اگر کسی بگوید اوقاص ندارد اشتباه کرده است پس يك شورای عالی تشکیل بدهند و این شوری مطالعه کند احتیاجات را و آنچه را که سه اوقاص دید روی کاغذ بیاورد و وقتی که روی کاغذ آوردند يك سازمان ثابت و ترتیب صحیحی بدهند که هر روز و هر روزی که می آید بفکر خودش يك تشکیلات و تغییراتی ندهد و در حقیقت ادارات ما يك طریق و روش مستقلی پیدا کنند و اینکه میفرمایند وزارت تجارت اهمیت ندارد بنده با این عقیده همراه نیستم برای اینکه کار وزارت تجارت تجارت نیست کار وزارت تجارت راهنمایی تجار و فراهم نمودن

وسایل تجارت است و برای اینکه این کار عملی بشود وزارت تجارت باید در تمام دنیا نماینده داشته باشد و در آنجا کالاهای ما را ترویج کنند و تجار ما را راهنمایی کنند که بجهت طریق بتوانند از عمل بازرگانی خودشان استفاده کنند و همچنین راجع به اوضاع اقتصادی کشور مطالعات عمیقی بکنند و راههای بهبودی اوضاع اقتصادی کشور را فراهم کنند تا اقتصادیات ما را از این وضع پر ملال رهائی بخشند و یکی از کارهای مهمی که باید وزارت بازرگانی انجام بدهد و تصور میکنم از مرام خود آقای وزیر باشد و آن تشکیل يك اداره مهم احصائیه است که يك اداره حقیقه اوضاع داخلی کشور را بتواند آمار کند و بعد روی کاغذ بیاورد و ماهی وقتی که در خدمت آقایان کمیسیونهای تشکیلی میشد و میخواستیم مطالعاتی بکنیم به يك امری بر میخوریم که دست و پای ما را می بست و آن عدم اطلاع از اوضاع و وضعیت اقتصادی ایران بود بواسطه اینکه ما احصائیه درست نداشتیم و نداشتن احصائیه مانع بود که ما بتوانیم يك تصمیماتی اتخاذ کنیم مثل اینکه بنده يك دهی داشته باشم و اطلاع نداشته باشم از اینکه چند خروار بذر افشان زمین در ملك من است کشور هم کمتر از ده نیست ما میخواهیم وضعیات اقتصادی يك کشوری را اصلاح کنیم بدون اینکه بدانیم این کشور منافعی چیست در آمدش چیست و چقدر میتواند مالیات بدهد و چقدر میتواند عایدات داشته باشد این يك قسمت عرض دوم بنده چون لایحه مجال میدهد که در اقتصادیات کشور صحبت بشود عرض میکنم البته آقایان تصدیق میفرمایند که اوضاع اقتصادی ما از چندی باینطرف متزلزل است از بیست سال قبل يك تفاوتی بین عناصر و منابع مختلفه تولید ثروت بود و لایحه تعادل را حفظ میکرد تولید کننده و حتی مصرف کننده را از تقریباً پانزده سال قبل باینطرف که دولت يك سلسله اقدامات اقتصادی فوق العاده داشت از قبیل تأسیس راه آهن و خرید اسلحه برای قشون و تأسیس کارخانجات و خرج های هنگفتی شروع کردند به عمل آوردن و یکی از اشتباهات بزرگ بعقیده بنده اشتباه بزرگ اقتصادی این بود

که خواستند يك كارهای فوق العاده بکنند و يك دستگاههای مهم اقتصادی را ایجاد کنند در صورتیکه دولتهای بزرگ مثل فرانسه آلمان روسیه انگلیس که بنیان اقتصادیشان هزار مرتبه از ما محکمتر بود هرگز این کار را نمیکردند اینها قرضهای طولیل المدت میکردند و با آن قرضهای طولیل المدت مقاصد اقتصادی خودشان را بصورت عمل در میآوردند بدون اینکه در داخله کشور شان تزلزلی پیدا شود ولی ما آمدیم تمام این مخارج بزرگ و هنگفت را بدوش این ملت بدبخت گذاشتیم و خواستیم بگوئیم که ما بقدری قوی هستیم که يك همچو کار مهمی را از بودجه سالیانه کشور انجام میدهیم البته امور اقتصادی چیزى نیست که تابع زور و فشار شود اگر از يكطرف فشار بدهند از طرف دیگر عکس العملی پیدا خواهد کرد که بزرگترین عکس العمل آن بالا رفتن سطح زندگانی و خرابی اوضاع فلاحتی و زراعتی کشور میشود برای اینکه این بار گران تحمیل بدوش بزرگتر و زارعر میشود بالاخره یگانه تولید هنجار ثروت ایران فلاحت ایران است بنده خودم به احصای سالیانه مراجعه کردم ۹۷ درصد اقتصادیات ایران را محصولات فلاحتی ایران تشکیل میدهد و قتیکه شما آمدید يك امور عمده اقتصادی را انجام بدهید البته تحمیلالات او بدوش همان طبقه خواهد شد بر اثر این تحمیلالات فلاحت ایران دچار تزلزل شد ایرانی که میبایستی سالها ملیونها را خرج میکردم جو حبوبات بخارچه صادر کنند در این موقع باید از خارج غذای خودش را وارد کنند برای اینکه طبقه زارعر از بین رفته است بر اینچون وضعيت زارعر طوری خراب است که اصلاً قدرت زراعت از او سلب شده است و قتی که دولت برنامه اش را تنظیم کرد برنامه اش این بود که سطح زندگی را پائین بیاورد و بنده هم امیدوار بودم که چون فشار رژیم سابق از بین رفته حالا دیگر اقداماتی نخواهد شد که سطح زندگی پائین بیاید متأسفانه روز بروز بالاتر رفت و امیدوار بودم دولت از خرجهای که موجب بالا رفتن خرجهای زیاد بود صرف نظر کرده و از طرف دیگر بودجه را طوری تنظیم خواهد کرد که موجب

پائین آمدن سطح زندگی خواهد شد متأسفانه تمام آن خرجها بجای خودش باقی است يکی از آنها راه آهن است بنده عرض میکنم راه آهن خیلی خوبست ولی درین موقع که جنگ دنیا را گرفته است صلاح نیست که ما راه آهن را تمام کنیم یا سایر خرجهای دیگر را دنبال کنیم بعقیده بنده امروز چون وضعیت غیر عادی است دولت بایستی از مخارج زائد که هیچ لزوم ندارد صرف نظر کند و وقتی که این مخارج از بین رفت بودجه دولت کمتر میشود و بزرگتر این بودجه زندگی مردم هم سهل میشود عرض دیگر بنده این است يکی از کارهای اقتصادی که دولت باید بکند باید بودجه را که تنظیم میکند بین خرجها يك تناسبی قائل شوند و همی مخارج ده میلیون تومان پانزده میلیون تومان برای ساختن وزارتخانه هیچ از وی ندارد بعقیده بنده مأمورین وزارت مالیه در همان ساختمان اولیه میتوانند با کمال خوبی زندگی کنند و بهیچ جای مملکت هم بر نمیخورند و اگر هم این پانزده میلیون تومان را خرج آبیاری و ایجاد چاه میکنند سال اول نه سال دوم همان مقدار عاید میشود عرض دیگر بنده کارخانهجات چه دولتی باشد چه ملی از سال اول ساختمان کارخانه صاحب کارخانه در نظر دارد که هر خرجی که برای ایجاد کارخانه کرده در سال اول مستهالک کند و چون انحصار هم دست دولت است و جلوگیری از آن میکند يك تحمیل فوق العاده ایست برای مصرف کننده و برای فروش محصول کارخانهجات دولت يك سرمایه معین کرده که صدهای فلاقدر بیشتر میتواند خرج کند آنوقت مأمورین دولت فوراً صاحبان کارخانه را با صلاح آبهستن میکنند و بکلی کارخانهجات را آزاد میگذازند ولو اینکه صدهای پنجاه و صدهای صد صاحب کارخانه تحمیل بکنند و این تحمیل بزرگ بمصرف کننده است و اصلاً صلاح مملکت نیست که چهار نفر باعث بدبختی مردم بشوند و تا این حد مردم تحمیل کنند بعقیده بنده آقای وزیر بازرگانی و پیشه و هنر باید توجه بفرمایند که صاحبان کارخانه از يك حد معینی محصول کارخانه خودشان را اگر انتر نفر شدند عرض دیگر بنده راجع به تنظیم کار است در تمام

دنیا از شصت هفتاد سال قبل با اینطرف بین کار و سرمایه يك تناسبی قائل شده اند یعنی خواسته اند آنیه کارگر را تأمین کنند امروز در این کارخانه ها کارگران کار میکنند اگر يك دیگی ترکید و يك کارگری سوخت خودش و تمام فامیلش باید به گدائی بيفتنند امروز وضع دنیا طوری شده است که در تمام ممالك برای کارگران يك مزایای و يك راحتی هائی فراهم کرده اند که آنیه آنها را تأمین میکنند و هیچ دلیل ندارد که کارگران ایرانی از این مزایا استفاده نکنند بعقیده بنده يك مقرراتی برای این اشخاص باید وضع شود که اینها هم تا اندازه از زحماتی که میکنند استفاده کنند و دلگرم باشند و قتی که ما يك کارگر را آوردیم و فقط روزی دو تومان سه تومان چهار تومان به او اجرت دادیم و دیگر هیچ مزایائی برای او قائل نشدیم این هیچوقت برای ما دلسوزی نخواهد کرد بنابراین هرچه زودتر فکری هم برای اینها بشود خیلی بجا و مناسب خواهد بود که کارگران در کشور راحت باشند و قلب سالم داشته باشند و اختلاف طبقاتی از بین برود این بود عرایض بنده و چون وقت گذشته است دیگر عرضی نمیکنم.

رئیس - آقای ملک مدنی موافقید بفرمائید

ملک مدنی - آقای افشار يك فرمایشاتی کردند که بنده خیلی باختیبار جواب عرض میکنم بعقیده بنده يکی از کارهای خوب دولت فعلی تقدیم این لایحه است که لازمه اش تغییرات است و تغییر وقتی حاصل میشود که دو وزارتخانه که از نظر تناسب کاری يکی بشود و همین لایحه ایست که آقای وزیر بازرگانی آورده اند ایشان فرمودند که در این بیست ساله همه اش دلبخوشی ما به ساختمان بوده است بنده عرض میکنم البته در همه دلیس معمول است و قتی که يك مملکتی رو بترقی میرود سازماهایش هم تغییر پیدا میکنند ما يك روزی شاید احتیاج بيك وزارتخانه که اسمش پیشه و هنر باشد پیدا کنیم ولی امروز که اوضاع دنیا طوری شده است که قسمت بازرگانی و پیشه و هنر مان محدود شده و همه دنیا

دارند تشکیلات خودشان را کوچک میکنند مقتضی بود که این لایحه به مجلس بیاید اما آقای افشار يك قسمتی راجع به پائین آوردن سطح زندگی فرمودند که بعقیده بنده مطلب صحیح است ولی مربوط باین لایحه نیست البته با بودن آقای گلشایان وزیر بازرگانی در مجلس تذکرش عیب ندارد ولی بعقیده بنده جایش در نطق قبل از دستور است فعلاً اینجا مورد ندارد ولی این لایحه يکی از لوايح خوب است و حتی المقدور باید سعی کنیم که احتیاج و تشکیلات و ساختمان آنرا کوچک کنیم و این خیلی خوبست و این عمل را باید تقدیس کرد زیرا ما نباید مثل سابق فکرمان این باشد سازمان را وسیع کنیم ما با جائی تجارت نداریم و سائل حمل و نقل ما محدود شده این البته با آن سوابقی هم که از نظر اینکار و روشی که آقای گلشایان دارند سعی میکنند که بودجه متناسبی تهیه کنند و بمجلس بیاورند که از این حیث صرفه جوئی شده و کمکی از نظر مالی بشود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای مخبر فرهمند

مخبر فرهمند - بنده میخواهم اظهار تأسف کنم که ما هفته یکروز میآئیم برای انجام وظیفه و آلهم یکساعت بظهر جلسه میآئیم تا يك مطلبی که هنوز دو نفر صحبت نکرده میگوئیم مذاکرات کافی است بنده عقیده ام این است يك مطلبی که مطرح شد چون جلسات هفته يك روز است اجازه بدهند تا یکساعت دو ساعت بعد از ظهر هم شده جلسه طول بکشند البته ما با این حقوقی که میگیریم و مسئولیتی که داریم باید در مقابلش هم صرف وقت کنیم راجع بلایحه که مطرح است بنده در اصل مقصود که دو وزارت خانه را يکی کرده اند بدون اینکه قانونش بگذرد و بدون این که سابقه داشته باشد بعقیده بنده این عملی بوده است که بن خسلاف اصل شده است در يك کشوری ممکن است نخست وزیر دو وزارت خانه یا سه چهار وزارت خانه دیگر را موقتاً کفالت کند لیکن يك وزیر دو وزارت خانه را نشده است و نمیتواند عهده دار شود حالا آن يك موضوعی است گذشته و يك سابقه

شده که البته باید از بین برود مقصود از یکی کردن وزارت بازرگانی و پیشه و هنر با مقدمه که در قانون گذاشته شده بعقیده بنده دلیل قانع کننده نیست در کمیسیون هم بنده مفصلاً عرض کرده‌ام و آقای وزیر هم تشریف داشتند که عرض کردم اگر بنا باشد ما قانون را برای روز بنویسیم که فرض بفرمایید فلان وزارت خانه يك اداره اش کم شده دوتارا یکی کنیم فردا يك شعبه بآن علاوه میکنیم و می‌ایم دو وزارتخانه اش میکنیم این عمل خوب نیست این قانون برای امروز نیست برای همه وقت است وزارت بازرگانی يك وزارت خانه مهمی است باید آن را محفوظ نگاه داشت منتهی امروز کارش کم است فردا زیاد میشود بعلاوه يك قسمت از کار این وزارتخانه را وزارت دارائی گرفته که عبارت باشد از کار اقتصاد که اگر آن در اداره بازرگانی شود خودش يك وزارت خانه مهمی بود. حالا این جا میگویند از نظر صرفه جوئی این عمل میشود منظور از این صرفه جوئی چه قسم صرفه جوئی میباشد اگر صرفه جوئی عبارت از هزینه باشد یعنی اگر يك چیزی لازم داشتند میخرند نداشتند نمیخرند؟ اگر منظور این قسم صرفه جوئی باشد که صحیح نیست صرفه جوئی بسته با احتیاجات است شاید اگر کارخانه نتوانند وارد کنند و اسباب و لوازم نشود وارد کرد این را صرفه جوئی حساب نمایند و الا از حیث حقوق به عقیده بنده صرفه جوئی نمیشود برای اینکه يك عده مستخدم که الان دارند کار می کنند یا بایستی آنها را دستشان را گرفت و بیرون کرد و گفت به آن ها احتیاجی نداریم یا باید انتقال بدهیم به يك وزارت خانه دیگر اگر انتقال دادیم که صرفه جوئی شده برای اینکه دولت عوائل و اعتباراتش همه اش یکی است و اگر بیرون کردید بنظر بنده با اینکه آقا فرمودند اشکالی ندارد هر چه لازم نباشد بیرون میکنند بنده تصور میکنم يك مقرراتی در قانون استخدا و قراردادها هست که نشود بهمین سادگی دست آنها را گرفت و خارج کرد و در وهله اول هم کار لنگ میشود اینجا بعقیده بنده يك صرفه جوئی شده است که عبارت از حقوق وزیر است بنده وزارتخانه ها را که حساب میکردیم

دیدیم متأسفانه سیزده وزارتخانه است بعد باین فکر اقدام که شاید خواسته اند عدد سیزده را از آن خارج کنند اگر این بود میخواستند چهارده تا کنند و یکی هم علاوه میکردند برای توقعات بنده و دیگران و يك عده راضی نگاه میداشتند دست و بالشان هم بسته نمیشد بنظر بنده امروز يك وزارت تجارتی را كوچك كردن ولو اینکه ما كوچك هستیم باید خودمان را الاقل بزرگ نشان بدهیم هي خودمان را كوچك نشان بدهیم شما در این پیمان که مطرح بود نظرم هست بعضی از آقایان پیشنهاد کردند که بعد از كلمه استقلال سیاسی استقلال اقتصادی هم نوشته شود از يكطرف این نظر هست و از طرفی يك وزارتخانه مهمی را هم بخيال و بعنوان اینکه تقلیل بودجه بدهیم آنرا كوچك میکنیم و يك چیز دیگر هم که در مقدمه لایحه و دلیل بر یکی کردن دو وزارتخانه ذکر کرده اند این است که کارخانجات را ملی کنند یعنی بفروشند بنده در این قسمت هم کاملاً مخالفم برای اینکه اوقتی که دولت در گذشته نمیتوانست در موقع عادی دنیا کارخانه بیاورد و تجارت کند، انحصار درست کند آوقت کرده ولی امروز که وضعیت دنیا اجازه نمیدهد و همه دنیا هم اینکار را کرده اند میخواهند انحصار را رها کنند و کارخانه را بفروشند و بدهند بدست مردمان قس القلب و بدست مختصر و بالاخره این جمعیتی که هستند از بین بروند بعقیده بنده امروز دولت بایستی این کارخانجات را خودش اداره کند منتهی مأمورین صالح امین در سر کار باشند انحصار و کارخانجات را در دست بگیرد و مراقب وضعیت مردم باشد مردم امروز وحشت زده و اگران میباشد از طرفی وضعیت خوار و از طرف دیگر بیچارگی و فقر و پریشانی مردم باز سابق برین ترس و بی کاری بود که بنده اگر متصدی يك کاری بودم اگر دزدی هم میکردم همیشه ترس داشتم که فردا مرا بچه ها بکشند یا موالم را بگیرند ولی امروز آن ترس نیست همان بردها و خوردنها هست با کمال آزادی و اطمینان پس باید دولت اگر دولت صالحی است همه چیز را تحت نظر بگیرد زیرا مجلس و دولت مسئول وضعیت این مردم هستند در این دوره بحران دنیا نمیشود همه چیز

را بباری و بهر جهت گذراند موقع خیلی باریکتر از این است که ما فکر میکنیم نباید کارخانه را بدهید بدست بنده و بنده بیایم يك سرمایه از خود دولت یا از بانگی بگیریم و بیاورم بخودش بدهم کارخانه را بگیرم بعد همان سال اول از عایداتش پول کارخانه را بد هم يك قسمت از زندگانی مردم را احتکار کنم آن کسی که کارخانه ها را آورده شاید نظارش هم برای امروز بوده اگر هم نبوده این کار برای امروز ما مفید بود و ما يك چیز مفیدی را از دست بدهیم که میخواهیم دو وزارتخانه را یکی کنیم این معنی و منطبق ندارد ملاحظه بفرمائید موضوع انحصارها هر کاری که در گذشته شده است همه اش بد نبوده البته يك کارهای خوبی هم بوده که باید هر کاری که خوب بوده آنرا حفظ کرد و چون هر کاری در گذشته شده هر چه باشد پاکداشتن و ازرویش رد شدن منصفانه نیست یعنی مصلحت ما نیست ما باید آنچه را که کار خوب است و شده حفظ کنیم و آنچه هم که نقص دارد نقصش را رفع کنیم و آنچه بنفع مردم و کشور است باید تقویت کنیم. یکی این انحصارها است که دولت آوقتی که نباید مداخله کند کرده و حالا که باید مداخله کند میخواهد نکند و حالا اگر مداخله نکنند يك دسته از مردم در دست میگیرند و بهونه اش هم همین وضعیت بازار است که برنج در آن موقع هشتاد تومان بود و حالا دویست تومان است آوقت درد کالها برنج بود ولی حالا در کار و اسراها هر جا بروید پر است و میگویند دویست تومان شرکت تعاونی مصرف که مال مستخدمین دولت است کبریت را میدهند بسته سی شاهی جای دیگر چهار قران است بعقیده بنده دولت مسئولیت دارد باید آنرا عمل کند و نوع همین شرکت تعاونی را زیاد کند که مستخدمین و مردم حوائجشان را تأمین نمایند جنس خوب میدهند با قسط پول میگیرند و نسبتاً هم گران نیست اگر دولت لا اقل همان قسمت خودش را که مستخدمین هستند بوسیله شرکت تقویت کند که زندگانی يك قسمت از مردم را تأمین کند که آنها را سربار سایر مردم نکند باز کاری شده است و چون وقت گذشته است و زیاد حرف زدن بنده هم

ممکن است موجب ملال شود عرضم را خاتمه میدهم و اگر بخواهید این ماده را تصویب کنید يك اشتباهی دارد باید اصلاح شود و آن این است که وزارت پیشه و هنر را گفتند يك وزارتخانه مهمی است نمی شود جزو بازرگانی بشود. عنوان وزارت بازرگانی و پیشه و هنر اصلاً نقض غرض است که يك وزارتخانه ضمیمه يك اداره بشود. سؤال دیگر بیهم داشتم که فراموش کرده بودم عرض کنم و آن راجع به کارخانه ذوب آهن است که معلوم نیست چه حالی دارد با اینکه مبالغ کلی برای آن خرج شده وضعیتش معلوم نیست که آیا بکار افتاده یا خیر این را توضیح بفرمایند که اطلاع پیدا کنیم و مطمئن باشیم آنچه بوده است در جای خودش هست. **اناهي (مخبر کمیسیون)** - فرمایشات نماینده محترم بیشتر در قسمت عمومی اقتصادی مملکت بود که با این لایحه چندندان مربوط نبود ولی بنده خواستم يك قسمت از فرمایشات آقای افشار را راجع بکارخانجات اصفهان جواب عرض کنم الآن همین کارخانجاتی که دائر است صاحبان آنها الآن حاضرند آنها را واگذار کنند که از این بند راحت شود. و اما اینکه فرمودند در قسمتی که چرا قانون نگذاشته این دو وزارتخانه یکی شده تا حالا که این قانون تصویب نشده هر وزارتخانه کار خویش را جداگانه انجام داده و میدهد و اینکه فرمودند يك وزیر نمیتواند دو وزارتخانه را تکفل کند و نخست وزیر اینکار را نمیکرد اینطور نیست و این سابقه هست و آقای فروغی یکوقتی خودشان وزیر بودند و دو وزارتخانه در تحت نظرایشان اداره میشد آقای مخبر فرمودند چرا حایه که ضمیمه شده چرا اول بازرگانی نوشته شده بعد پیشه و هنر این البته يك موضوع مهمی نبود و در کمیسیون هم نظری نداشتند که مقدم و مؤخر کدام باشد ولی اصولاً هر عملی که از وزارتخانه پیشه و هنر میشود خودش يك عمل بازرگانی است مثلاً يك کارخانه که پنجه یا پشم وارد میکند در ضمن اینکه این پنجه و پشم وارد کارخانه میشود این عمل بازرگانی است یعنی پنجه و پشم میخورد برای محصول کارخانه و این عمل بازرگانی است یعنی

پنبه را میخورد و ریسمان میفروشد بنا براین مائمی ندارد که لفظ بازرگانی مقدم باشد و بعلاوه پست و تلگراف و تلفن کدام اهمیتش زیاده تر است البته تلگراف اهمیتش زیاده تر از پست است ولی پست را مقدم میکنند و میگویند پست و تلگراف وقتی که يك وزارتخانه ضمیمه وزارتخانه دیگر میشود همه میگویند کاهرس ایندوستری نه اینکه بگویند ایندوستری کاهرس. همه جای دنیا وزارت تجارت و پیشه و هنر میگویند و راجع ببعضی از اظهارات آقای مخبر فرهمند راجع بانحصار و کارخانجات در اینجا چوب از موضوع خارج بود بنده هم جواب عرض نمیکنم و باید در این لایحه که مربوط بضمیمه شدن دو وزارتخانه است صحبت شود و اگر موقعی شد جواب سایر بیانات ایشانرا میدهم.

وزیر پیشه و هنر - راجع بکارخانه ذوب آهن که اینجا صحبت شد اجازه میفرمائید توضیحی بدهم کارخانه ذوب آهن ۵۳ هزار تن وزن دارد که خریداری شده از کمپانی آلمان در سه سال قبل از این ماشین آلات آن هشت هزار تن رسیده است و ساختمان آن واگذار شده است بیک شرکتی که يك قسمتش ساخته شده و يك قسمت از مواد اولیه اش نیز در ایران تهیه شده و از طرف دیگر هم چون امروز تکمیل ساختمان با بودن ماشین آلات خرج بیهوده ایست فقط آن قسمت از ساختمان که بایستی محفوظ بماند ساختمان آن تمام میشود و بقیه اش صورت مجلس میشود از کلیه جنس موجودی آنجا که با حضور نماینده پیشه و هنر و یک نفر نماینده کمپانی فروشنده این عمل صورت میگیرد و چون سفارتخانه دیگری حافظ منافع آن کمپانی است البته باید نماینده آن سفارتخانه نیز حضور داشته و صورت مجلس تعلیم شود و مقدار موجودی معین میشود و انشاء الله وقتی که جنگ تمام شد وسائل ساختمان و بجزایان انداختن آنرا فراهم میکنیم.

رئیس - آقای طوسی

طوسی - بنده يك سؤال کوچکی داشتم و آن این است که میخواهم بدانم این دو وزارتخانه که یکی میشود ترتیب پرسنلی آنها چه میشود و آیا تکلیف اعضاء و اجزاء آنها در این موقع زمستان چه میشود و خیال میکنیم مبادا عده در

اینموقع منفصل شوند و بزمخت بیفتند خوبست آقای وزیر توضیحی در اینخصوص بفرمایند.

اورنگ - بنده هم يك سؤال دارم اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

اورنگ - در موقعی که تکلیف دو وزارتخانه و تجزیه دو وزارتخانه مطرح بود از طرف رفقا خیلی اشکال میشد که چرا بایستی تفکیک شود یا ایجاد شود دولت لایحه آورده باینکه این دو وزارتخانه یکی شود بنده اعتقاد این است که فقط يك وزیرش حذف میشود چون در دو وزارتخانه يك وزیر اسم برده با حقوق ماهی فلان قدر بر این دو وزارتخانه رسیدگی میکنند زائد بر این گمان نمیکنم تغییری داده شده باشد یا داده شود و خود من متحیرم و هنوز نفهمیده ام که این مسئله مضر باشد چیزی که من اغتنام فرصت کرده و وقتی برای اظهار پیدا کرده ام و وقت بهتری برای خاطر این تذکر در عمر پارلمانی خودم ندیده ام و حالا این فرست را مفتنم شمرده و این سؤال را میکنم که آقای وزیر پیشه و هنر و بازرگانی یا آقای وزیر بازرگانی و پیشه و هنر دلشان این عرض بنده را بشنود نه گوششان. آقایان رفقا همه میدانند و قطع دارم که همه میدانند دو عامل است در دنیا که باین دو عامل دنیا اداره میشود یکی عقل و یکی احساس یکی عقل یکی قلب و این قلب را امروز میتوانند بخرد و روزی میرسد که نمیتوانند بخرد بنده چندین سال است که همه آقایان مسبقاً قید صغار مرحوم مستوفی الممالک هستم و مستوفی الممالک هم در این دقیقه ایست و من و شما هم میمیریم بیست و يك اولاد دارد این مرد يك ده دارد در نزد يك طهرات اسمش واک است همه تشریف برده اید همه دیده اید نصف اراضی این ده را بدون هیچ مجوزی در دنیا و بدون اطلاع بورات یا نظار و یا صغار و کبارش گرفته بنام ساختن يك کارخانه برای ماسک و بر ضد گاز خفه کننده گاز خفه کننده احتمالی که ماسکش باید در این ده ساخته شود خود گازش بر این ده حمله کرد و هجوم کرد و ان خاندانی را که بیست و یک نفر صغیر از آنجا باید اعاشه کنند برداشته

شد و صرف آن کارخانه شد بروید در واک ملاحظه کنید تمام زمین های مزدوری واک جزء این کارخانه باغی هم در آنجا بود که هر جریب آنرا خبره ها آمدند و قیمت کردند این باغ درختهایی داشت که دو تن از مردان اگر بغل میکردند بدست نمیآمد آنها هم جزء این باغ رفت قنوات واک صرف میشود برای این کارخانه يك دینار اگر شما قیمت این باغ و اراضی را دیده اید وراث مرحوم مستوفی الممالک هم دیده اند این بار چهارم است که در پشت این تریبون شما عرض میکنم که حق لشک بشر ایست لشک بشر دزدی است خیانت است (صحیح است) بی چیزی لشک نیست (صحیح است) امروز رحم کنید امروز قدر بشناسید امروز شما مردمیکه زمام امور دست شماست و اینجا نشسته اید بارای شما دولت مجاز میشود بدهد با رأی شما دولت مجاز میشود بگیرد امروز خودتان را در محکمه دیگر به بینید و بدانید در جایی می نشینید که محکومید آقای وزیر پیشه و هنر با سمت وزارت این عرض من را گوش ندهند عرض کردم با دلتش گوش بدهد حس او را میخواهم تحریک کنم و حس هر حساس در دنیا میگوید حق مردم محترم است خاصه مردمی که عزیز بوده اند (صحیح است) خاصه مردی که پاك بوده اند و خدمت کرده اند (صحیح است) بابا قبول کنید که مستوفی الممالک در این مملکت خیانت نکرده است (صحیح است) خادم بوده يك مردی چندین سال در این مملکت خدمت کرده باغ و زمین او را گرفته اید ماسک بسازند ولی ماسک در مقابل صغاران نه بندید يك مملکتی باین شکل نمیتواند هی داد بزند اشخاص صالح را بیاورید آقای افشار و سایر آقایان که میفرمایند افراد صالح بیاورید آقایان باز کر در مجلس و باوراد آدم صالح و خوب نمیشود عمل ما این است يك آدمی که سفیرش گرسنه است دل کسی نمیسوزد من بطور صالح شوم میزدم و میخورم این حرف ها ارزش ندارد يك پول نمی ارزد مال مستوفی الممالک را بدهید بدست صغارش اینک زندگانی

نمی شود اینک وضع نمیشود والله ناخوشم بحق خدا برای حال من خوب نیست برای قلب من بد است زفت انداختم اتی فیلو زستین الان پهلوهایی مرا گرفته است گفتم حرف هایی بزنم شاید اثر کند بلکه حس مانع حرکت شود يك عملی از ما صادر شود که آن عمل تشویق درستکاران شود نه گفتار این حاصل عرض من است این است که میخواهم عرض کنم که اگر آقای مخبر السلطنه و صاحب اختیار بوزارت پیشه و هنر مراجعه کنند جواب داده نشود که در بودجه این مسئله اعتبار ندارد اشتباه نشود خلط مبحث نشود این عمل واقع شده اصلاحش را از آقای وزیر پیشه و هنر میخواهم.

وزیر پیشه و هنر - اگر آقای اورنگ بدقت کارخانه شماره پنج مراجعه فرمودند که روز سه شنبه پریروز در کارخانه رفتم و کارخانه را دیدم پرسیدم پول این زمین را داده اید گفتند چون اینجا وقف بوده است پولش داده نشده و هنوز تکلیف معین نیست دستور دادم که باید پول را بدهند بمتولی یا آن اشخاصیکه متصدی اینکار هستند یا قیم صغار آمرحوم اگر این را مراجعه میکردند آقای اورنگ دیگر عصبانی نمی شدند.

اورنگ - آقایانکه میگویند واک وقف است اینطور ایست واک وقف ایست.

[۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - آقای مخبر فرهمند میفرمایند يك جلسه در هفته داریم و اگر یکساعت طول بکشد اهمیت ندارد اما میفرمایند که رفقای محترم ما ملاحظه جلسه را نمیکنند و رعایت نمی کنند و از اکثریت مجلس رأی اندازند و بنده خیلی متأسفم این يك روزی که ما در اینجا هستیم و باید کار کنیم رعایت کار و مجلس را نمیکنیم بنده با کمال تأسف اجازه میخواهم جلسه را ختم کنم. جلسه آینده روز یکشنبه ۲۸ دیماه صفوی - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

صفوی - چند نفر از آقایان اجازه گرفته بودند که مطالبی بعرض برسانند ولی متأسفانه چون آقایان وزراء تشریف نمی آوردند هفته یک روز یا دو روز که جلسه میشود باید آقایان حاضر باشند که نمایندگان مطالب خودشان را بگویند و آقایان وزراء اگر کار داشته باشند تشریف می آورند

والا نمی آیند این است که بنده خواستم پیشنهاد کنم به آقایان وزراء اطلاع بدهند که چون یک مسائلی است که باید گفته شود تشریف بیاورند به مجلس.

[مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری